

سیر تحول جنبش الغای مجازات اعدام در شورای اروپا

دکتر مهریار داشاب^{**}

چکیده

مجازات اعدام از دیرباز مورد توجه حقوقدانان و صاحب‌نظران بوده است و هم‌اکنون نیز یکی از مسائل بحث برانگیز حقوق بین‌الملل بشر محسوب می‌شود. با توجه به تحولاتی که در عرصه حقوق بشر رخ داده است، امروزه در جهان حرکتی برای الغای این مجازات آغاز شده است که سازمانهای بین‌المللی آن را هدایت و رهبری می‌کنند. در کنار سازمانهای بین‌المللی عام همچون سازمان ملل متحد، فعالیتهای شورای اروپا به عنوان یک سازمان منطقه‌ای نیز در خور توجه است. این سازمان که در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده است و تاکنون ۴۶ کشور^۱ به عضویت آن در آمده‌اند، توانسته است با طرح و تصویب پروتکل‌های الحاقی شماره ۶ و ۱۳ که منضم به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستند نقش مهمی را در جهت الغای این مجازات ایفا کند. این دو پروتکل مجازات اعدام را برای تمامی اعضای شورای اروپا ممنوع کرده‌اند و جنبش جدیدی را در این زمینه پدید آورده‌اند که می‌تواند الگویی برای سایر سازمانهای بین‌المللی محسوب شود. با این حال به رغم تمامی تلاشهای انجام شده، هنوز هم در اسناد فوق‌الذکر ابهاماتی وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ای برای سوء استفاده کشورهای عضو باشد؛ از جمله ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی که مجازات اعدام را به عنوان استثنایی بر حق حیات می‌پذیرد. پروتکل‌های الحاقی نیز هر چند سعی کرده‌اند نقش ماده ۲ کنوانسیون را کمرنگ سازند، اما هنوز هم میان مفاد این دو پروتکل و کنوانسیون تعارضاتی وجود دارد که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد. مقاله حاضر در صدد است با بهره‌گیری از اسناد حقوقی فوق‌الذکر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه، پرونده پرفراز و نشیب لغو مجازات اعدام در شورای اروپا را بررسی و در نهایت وضعیت کنونی این مجازات در اروپا را برای خواننده تبیین نماید.

واژگان کلیدی: مجازات اعدام، الغاء، شورای اروپا، معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و

آزادیهای اساسی، پروتکل‌های الحاقی شماره ۶ و ۱۳.

^{**} استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

۱. برای آگاهی بیشتر در خصوص تأسیس شورای اروپا و ۴۶ کشور عضو رک:

مقدمه

مجازات اعدام در زمره مجازاتهایی است که سودمندی و مشروعیت آن در طول تاریخ همواره مورد بحث بوده است؛ به طوری که می‌توان گفت دیر زمانی است جنبشی برای الغای این مجازات شکل گرفته است. شاید بتوان نقطه عطف این جنبش را در کتاب معروف «روح القوانین» منتسکيو دانست که برای اولین بار توجه حقوقدانان، فلاسفه^۱ و حتی برخی از دولتها را نسبت به این مسأله جلب نمود.^۲ اما در سالهای اخیر بحث مجازات اعدام بسیار جدی تر از گذشته شده است؛ به طوری که دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی^۳ در رأی خود مورخ ۱۲ می ۲۰۰۵، در قضیه اوجلان علیه ترکیه این مجازات را کفیری غیر انسانی قلمداد نموده است.^۴

تا کنون بسیاری از سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی (مانند سازمان عفو بین‌الملل) و سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای (همچون شورای اروپا) این مجازات را «خودسرانه»، «تبعیض آمیز» و «جبران ناپذیر» توصیف کرده‌اند. در بسیاری از کشورهای غربی این مجازات منسوخ شده و اندیشه الغای آن به سایر کشورها و تابعان حقوق بین‌الملل نیز تسری یافته است.^۵ این

۱. در بین اشخاصی که تحت تأثیر افکار منتسکيو (Montesquieu) بوده‌اند می‌توان از فلاسفه فرانسوی همچون دلامبر، (Dalembert)، دیدرو (Diderot) و فیلسوف ایتالیایی سزار بکاریا (Cesare Beccaria) نام برد. بکاریا اولین فردی بود که در رساله جرایم و مجازاتهای خود (Del delittelle delle pene 1784) از مجازات اعدام انتقاد کرد. اما ژان ژاک روسو نویسنده کتاب قرارداد اجتماعی (Le Contrat Social) مدافع اجرای مجازات اعدام بود و اجرای آن را برای بقاء جامعه لازم می‌دانست. روسو اعتقاد داشت که حق حیات به افراد تعلق ندارد بلکه متعلق به جامعه است و جامعه می‌تواند در هر زمان که منافعش اقتضاء نمود به حیات افراد پایان دهد. برای آگاهی بیشتر نک: سزار بکاریا، «جرایم و مجازاتها»، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، صص ۱۹-۵.

۲. اولین آثار نوشته‌های بکاریا هنگامی ظاهر شد که توسکان تصمیم گرفت قوانین کفیری خود را اصلاح نماید و مجازات اعدام را در مورد سرخی از جرایم ممنوع کند. همچنین در سال ۱۷۸۷ دولت اتریش تحت تأثیر اندیشه‌های بکاریا مجازات برخی از جرایم را از اعدام به حبس ابد تبدیل نمود.

3. Cour europeenne des droits de l'homme

۴. برای ملاحظه متن کامل احکام دیوان اروپایی حقوق بشر نک: "www.echr.coe.int"

۵. براساس آمار سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۲، ۷۹ کشور مجازات اعدام را در مورد تمام جرایم لغو کرده‌اند؛ ۱۵ کشور به غیر از جرایم جنگی این مجازات را در مورد سایر جرایم لغو کرده‌اند؛ ۲۲ کشور علی‌رغم پیش بینی این مجازات در قوانین کفیری شان در حدود ۱۰ سال است که آن را اجرا نمی‌کنند و حدود ۷۸ کشور به اجرای این مجازات ادامه می‌دهند از جمله آمریکا، عربستان سعودی و چین. براساس همین آمار در سال ۲۰۰۴، ۳۷۹۷ نفر در ۲۵ کشور اعدام شده‌اند که در صد زیادی از این اعدامها در چین (۳۴۰۰ نفر)، ویتنام (۶۴ نفر) و

نتایج، حاصل سالها تلاش و مذاکره در سازمانهای بین‌المللی عام و منطقه‌ای مانند سازمان ملل متحد و شورای اروپاست که در نهایت منجر به تصویب اسناد بین‌المللی الزام آور برای ممنوعیت یا محدودیت اجرای مجازات اعدام شده است.

امروزه تعداد زیادی از اسناد حقوق بشر به نحو صریح یا ضمنی به ممنوعیت یا محدودیت اعمال این مجازات پرداخته‌اند. برخی از اسنادی که به نحو غیر مستقیم به این مسأله اشاره کرده‌اند عبارتند از:

۱. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ۴ نوامبر ۱۹۵۰؛
۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (مواد ۶ و ۷)؛^۱
۳. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ (ماده ۴)؛
۴. منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام ۲۷ ژوئن ۱۹۸۱ (ماده ۴)؛^۲
۵. معاهده حقوق کودک ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (ماده ۳۷)؛^۳
۶. منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰ (مواد ۵ و ۳۰)؛^۴
۷. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۸ (مواد ۷۷ تا ۱۱۰)؛^۵

آمریکا (۵۹ نفر) انجام شده است. ۱. این میثاق در سال ۱۹۷۶ لازم الاجرا شده است.

۲. این منشور در ۲۰ اکتبر ۱۹۸۶ لازم الاجرا شده است. بر اساس ماده ۴ آن «حق حیات هر شخص و تمامیت جسمی و روحی او محترم است. این حق را نمی‌توان از هیچ فردی به صورت خودسرانه سلب کرد.»

۳. بر اساس بند اول ماده ۲۷ «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز قرار نگیرد. مجازات اعدام، یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند، اعمال گردد.»

۴. در ماده ۵ این منشور که در سال ۱۹۹۹ لازم الاجرا شده، آمده است: «هر کودک از حق حیات برخوردار است و این حق باید از سوی قانون مورد حمایت قرار بگیرد (بند ۱) ... مجازات اعدام نباید در مورد جرایم کودکان اعمال گردد.» (بند ۳) همچنین در ماده ۳۰ با عنوان «کودکان مادران در حبس» آمده است که: «دول عضو این منشور متعهد می‌گردند که از زنان باردار، مادران نوزادان و اطفال خردسال که متهم به ارتکاب جرم هستند یا محکوم شده‌اند، مراقبت ویژه‌ای را به عمل بیاورند و به طور خاص ... (۵) اطمینان حاصل کنند که مجازات اعدام در مورد این زنان اعمال نخواهد شد.»

۵. در اساسنامه رم مجازات اعدام پذیرفته نشده است. اکثر هیأت‌های نمایندگی در کنفرانس رم مخالف گنجاندن این مجازات در متن اساسنامه بودند. با این حال، گروهی از کشورهای عربی و دولتهای اسلامی به همراه کشورهای انگلیسی زبان حوزه کارائیب و تعداد کمی از کشورهای دیگر، از جمله سنگاپور، رواندا، اتیوپی و نیجریه تهدید کردند که مانع از حصول وفاق عام درخصوص این موضوع می‌شوند. در نهایت آنها نتوانستند برخی از امتیازات را به دست بیاورند؛ از جمله یک ماده جدید که اعلام می‌کرد مقررات مربوط به مجازات‌ها در اساسنامه خدشه‌ای به مجازات‌های مندرج در حقوق کیفری دولتهای عضو وارد نمی‌کند. علاوه بر این، رئیس

برخی معاهدات دیگر قواعد مندرج در اسناد مذکور را تکمیل نموده و به طور خاص به مجازات اعدام پرداخته‌اند:

۱. پروتکل دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمینه الغای مجازات اعدام، ۱۵ دسامبر ۱۹۸۶؛

۲. پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در خصوص الغای مجازات اعدام در زمان صلح، ۱۸ آوریل ۱۹۸۳؛^۱

۳. پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در خصوص الغای مجازات اعدام در تمام شرایط، ۳ می ۲۰۰۳؛^۲

۴. پروتکل کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در زمینه الغای مجازات اعدام، ۸ ژوئن ۱۹۹۰. یکی از دلایل پیشرفت جنبش الغای مجازات اعدام، جایگاه حق حیات در میان حقوق و آزادیهای اساسی است؛ به طوری که می‌توان گفت این حق، مبنای تمامی حقوق دیگر نیز هست. در واقع، حق حیات^۳ در کنار ممنوعیت شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و تحقیر آمیز، بردگی، کار

کنفرانس اعلامیه ای صادر کرد و در آن بر حساسیت موضوع صحه نهاد. با وجود این، عدم پذیرش مجازات اعدام در اساسنامه رم گام مهمی در روند الغای قطعی این مجازات محسوب می‌شود. در ماده ۷۷ اساسنامه رم سه مجازات پیش بینی شده است: حبس، جریمه، مصادره در آمدهای ناشی از ارتکاب جرم. مذاکراتی که در کنفرانس رم پیرامون این موضوع مطرح شد که دیوان چه مجازاتهایی را می‌تواند اعمال کند، نشان داد که هیچ‌گونه توافق بین‌المللی در خصوص درج یا عدم درج مجازات اعدام در اساسنامه رم وجود ندارد. با این حال، مطابق اصل «تکمیلی بودن» که حاکم بر روابط دیوان و مراجع قضایی داخلی است، مسؤولیت اصلی تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم مندرج در اساسنامه رم بر عهده مراجع قضایی ملی است و واضح است که دیوان نمی‌تواند سیاستهای ملی در این خصوص را تحت تأثیر قرار دهد.

عدم درج مجازات اعدام در اساسنامه رم نیز هیچ‌گونه تأثیر حقوقی بر قوانین و رویه‌های داخلی ندارد و نمی‌توان گفت که این امر بر توسعه حقوق بین‌الملل عرفی یا مشروعیت مجازاتهایی که در نظام‌های داخلی نسبت به جرایم مهم اعمال می‌شوند، تأثیر نهاده است.

Antonio Cassese / Paola Gaeta / John Jones: *The Rome Statute of International Criminal Court: A Commentary*, Vol.I, Oxford University Press, 2002, p.85.

۱. این پروتکل توسط ۴۵ کشور عضو معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر تصویب شده است. فدراسیون روسیه هنوز این پروتکل را تصویب نکرده است.

۲. این پروتکل در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۰۳ لازم الاجرا شده است. در بین ۴۶ کشور عضو کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی تاکنون ۳۰ کشور این پروتکل را تصویب کرده‌اند.

۳. این حق در مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (ماده ۳) و یا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۶) به رسمیت شناخته شده است.

اجباری و اصل قانونی بودن مجازاتها، حقوق لازم الرعایه و خدشه ناپذیری^۱ را تشکیل می‌دهند که باید مورد احترام تمامی اعضای جامعه بین‌المللی باشند.^۲

در حال حاضر بسیاری از کشورها هنوز هم مجازات اعدام را اجرا می‌کنند^۳ و بجز دول عضو شورای اروپا که با لازم الاجرا شدن پروتکل‌های ۶ و ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی تقریباً ممنوعیت کامل این مجازات را پذیرفته‌اند، سایر کشورها از الغای آن خودداری می‌کنند و نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد^۴ همچون کمیسیون حقوق بشر و کمیساریای عالی حقوق بشر نیز فاقد ابزارهای حقوقی لازم برای اجبار کشورها به الغای این مجازات یا عدم اجرای آن بوده‌اند. اسناد و توصیه‌های بین‌المللی در بالاترین سطوح نیز در این میان کارگشا نبوده است و صرفاً جنبه اخلاقی دارد.

از آنجا که اقدامات انجام شده در شورای اروپا نسبت به سایر سازمانهای بین‌المللی گسترده‌تر بوده است، مقاله حاضر سعی دارد به بررسی اقدامات ارکان این سازمان در طول سالهای گذشته بپردازد، به نحوی که خواننده بتواند با جنبه‌های مثبت و منفی اسناد منعقد شده در

1. Droits inalienables.

۲. مطلق بودن برخی از استناداردها و قواعد حقوق بشری در اسناد متعددی مطرح و پذیرفته شده است، از جمله در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۱۵ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و بند ۲ ماده ۲۷ معاهده آمریکایی حقوق بشر.

۳. بجز کشورهایی که هنوز مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند (در پانوشت ش ۴ ص ۱، به آنها اشاره شده است) می‌توان از کشورهای الجزایر، برمه، برونئی، کره شمالی و جنوبی، مصر، گوآتمالا، اندونزی، اردن و مغولستان نام برد.

۴. سازمان ملل متحد اولین بار با تصویب قطعنامه XXVI - ۲۸۵۷ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ خواستار لغو مجازات اعدام شد. در این قطعنامه آمده است: «برای تضمین کامل حق حیات - که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است - لازم است که به صورت تدریجی از تعداد جرایم مشمول مجازات اعدام کاسته شده و الغای این مجازات به عنوان هدف نهایی در تمامی کشورها دنبال شود.» این قطعنامه در همان سال توسط قطعنامه ۱۷۵۴ شورای اقتصادی و اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت. پس از این تاریخ سازمان ملل از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی - که هر پنج سال یک بار گزارشی را در خصوص مجازات اعدام، از دبیر کل دریافت می‌کند - در جریان پیشرفت امور قرار می‌گیرد. این شورا در ۲۵ می ۱۹۸۴ قطعنامه‌ای (با شماره ۱۹۸۴/۵۰) را تصویب نمود که در آن تضمینات لازم برای حمایت از حقوق محکومان به اعدام ذکر شده است. شورای اقتصادی و اجتماعی در این زمینه با کمیسیون حقوق بشر نیز همکاری می‌کند. کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۲۰۰۳/۶۷ از دبیر کل خواسته است تا علاوه بر گزارش پنج ساله خود یک گزارش تکمیلی (در مورد مجازات اعدام) نیز به این کمیسیون ارائه دهد. آخرین گزارش مذکور با رفرانس E/CN.4/2004/86 مورخ ۲۳ ژانویه ۲۰۰۴ موجود است.

چارچوب این سازمان آشنا گردد.

در این راستا، بر اساس و با تکیه بر مراحل مختلف و قوانینی که در این سازمان در خصوص الغای مجازات اعدام پشت سر گذاشته شده است، سیر تحول جنبش فوق در سه فصل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در ابتدا و در اولین فصل به بررسی قواعد مندرج در معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی پرداخته شده و خواهیم دید که در این سند مجازات اعدام به رسمیت شناخته شده است، اما سعی گردیده تا با تأکید بر اصل قانونی بودن، از اعدام خود سرانه افراد جلوگیری شود.

فصل دوم به بررسی پروتکل شماره ۶ اختصاص دارد. این پروتکل مجازات اعدام را در زمان صلح منع می‌کند، اما در زمان جنگ استفاده از آن را تحت شرایطی مجاز می‌داند.

در نهایت در فصل سوم پروتکل شماره ۱۳ مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تصویب این سند موجب شد تا مجازات اعدام در تمامی شرایط (چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ) ممنوع شود و می‌توان گفت که با تصویب این پروتکل الغای کامل مجازات اعدام در سطح اروپا تحقق یافته است.

فصل اول

معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی:

شناسایی دوزوره (De Jure) مجازات اعدام^۱

هر چند حق حیات به عنوان یکی از اساسی ترین حقوق بشر، توسط تعداد زیادی از کشورها، سازمانهای بین‌المللی و نهادهای فعال در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل این حق در هاله‌ای از ابهام و تردید فرورفته است، زیرا هر روزه در دنیا شاهد انجام مجازاتها و رفتارهایی هستیم که این حق را خدشه دار می‌سازد. بی تردید، امروزه تضادی آشفتنی ناپذیر میان جنبش الغای مجازات اعدام و اجرای مکرر و

۱. واژه‌های استفاده شده در این فصل واژه‌هایی است که به صورت عرفی در شورای اروپا در خصوص مجازات اعدام مورد استفاده قرار می‌گیرد. رک:

وسیع این مجازات در بسیاری از کشورهای دنیا (از جمله آمریکا و چین) دیده می‌شود و شاید بتوان گفت این تضاد ناشی از تمایزاتی است که نگرشهای مختلف فلسفی، ایدئولوژیک، مذهبی و حقوقی درباره حق حیات قایلند.

در برخی از کشورها سلب حق حیات به نام عدالت اجتماعی یا به منظور بازداشتن سایر افراد جامعه از ارتکاب جرم، صورت می‌پذیرد. در آغاز این امر، به نظر می‌رسد که جامعه در کلیت خود از نوعی حق حیات برخوردار است که نسبت به حق حیات تک تک افراد، مقدم است، اما این تصور چندان قابل قبول نیست و تجربه بسیاری از کشورها به روشنی نادرستی آن را اثبات می‌نماید. برای مثال، اجرای مجازات اعدام در بیشتر ایالت‌های آمریکا تأثیری در پیشگیری از وقوع جرایم یا کاهش آمار جرایم نداشته است و این امر، نظریه ارائه شده از سوی مارک آنسل^۱ را که در سال ۱۹۶۳ برای تهیه گزارشی درباره مجازات اعدام از سوی سازمان ملل متحد انتخاب شده بود تأیید می‌کند، زیرا او هم در تحقیق خود به نتایج مشابهی رسیده بود.

با این حال، این بحث هنوز هم ادامه دارد و بسیاری از قوانین داخلی اجرای مجازات اعدام را ناقض حق حیات نمی‌دانند.

جالبتر از همه این که در سطح شورای اروپا نیز این تضاد مشاهده می‌شود. هر چند این سازمان بهترین سازوکار حمایتی از حقوق بشر را پیش بینی و عملی کرده و با توسل به اسناد حقوقی مختلف توانسته است مانع از اجرای مجازات اعدام در بیش از ۴۶ کشور عضو شود، اما تا به امروز نتوانسته است بند اول ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی را - به عنوان سند اصلی شورای اروپا در حمایت از حقوق بشر - که مجازات اعدام را به عنوان استثنایی بر حق حیات به رسمیت می‌شناسد، اصلاح نماید (بخش اول)؛ همچنین تاکنون همه اقدامات انجام شده در جهت اصلاح این ماده بی‌فایده بوده است (بخش دوم) و دیوان اروپایی حقوق بشر که بر اجرای صحیح معاهده فوق نظارت می‌کند نیز هنوز هم با تردید در این زمینه سخن می‌گوید، به گونه‌ای که می‌توان نشانه‌های این تردید را در حکم این مرجع در قضیه *Ocalan V Turkey* نیز مشاهده کرد (بخش سوم).

۱. برای آگاهی بیشتر نک: مارک آنسل، *مجازات اعدام*، ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۵.

بخش اول

مجازات اعدام به عنوان استثنایی بر حق حیات

ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی^۱ به نحوی تدوین شده است که بصراحت مجازات اعدام را به عنوان استثنایی بر حق حیات به رسمیت می‌شناسد. بر اساس بند اول این ماده: «حق حیات هر شخص باید از سوی قانون حمایت شود. هیچ کس را نمی‌توان عمداً از حق حیات محروم ساخت، مگر در مورد اجرای مجازاتی که دادگاه بدان حکم داده است و پس از محکومیت شخص به دلیل ارتکاب جرمی که این مجازات در قانون برای آن پیش بینی شده است». در ادامه این ماده و در پاراگراف دوم آن آمده است: «سلب حق حیات را نباید خلاف این ماده تلقی نمود، هنگامی که ناشی از اعمال زور در حد ضروری:

الف - برای دفاع از شخص در برابر خشونت غیر قانونی است؛

ب - برای انجام بازداشت قانونی یا ممانعت از فرار شخصی که قانوناً بازداشت شده است؛

پ - برای سرکوب شورش یا آشوب بوده است»^۳.

هر چند هدف از انشای این ماده حمایت از حق حیات بوده است، اما نحوه نگارش آن این هدف را تأمین نمی‌کند و حتی خواننده با دیدن آن مأیوس نیز می‌شود^۴، زیرا این ماده صرفاً بر اهمیت قانون و قانونی بودن مجازات اعدام تکیه کرده است و بخش عمده آن ناظر به شروطی است که با رعایت آنها اجرای مجازات اعدام قانونی و مشروع است. بنابراین، در این ماده هیچ گونه بدعت خاصی دیده نمی‌شود و صرفاً تکرار همان مطالبی است که بارها در اسناد حقوق بشری مشاهده شده است.

۱. منشور اروپایی حقوق اساسی (اتحادیه اروپا) (Charte Europeenne des Droits Fondamentaux) در سال ۲۰۰۰ تصویب و به قانون اساسی اتحادیه ضمیمه شده است. بر اساس ماده ۲ این منشور: «هر کس از حق حیات برخوردار است. هیچ کس را نمی‌توان به مجازات اعدام محکوم نمود یا این مجازات را در مورد او اجرا کرد».

۲. متأسفانه معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی به هنگام پیش بینی حق حیات، تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد.

۳. در این مقاله تمامی مواد اسناد ذکر شده توسط مؤلف ترجمه شده است.

۴. برای حل ابهامات ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام کرده است که: «حق حیات یکی از خصایص حقوق خدشه ناپذیر افراد بشری است و در رأس سلسله مراتب حقوق بشر قرار دارد.» رجوع شود به حکم:

"Sterletz, Kessler & Krenz/Germany, 22nd March 2001, Paragraph 94".

از طرف دیگر اگر ما این ماده را با اسناد مهم دیگر از جمله ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا ماده ۴ معاهده آمریکایی حقوق بشر مقایسه کنیم، در می‌یابیم که مفاد این ماده ابتدایی، ناقص و ناهماهنگ با واقعیات جوامع کنونی کشورهای عضو شورای اروپاست و بصراحت می‌توان گفت که این ماده منفعل‌ترین موضع ممکن را نسبت به مجازات اعدام اتخاذ کرده است.

در واقع، اسناد مذکور بر خلاف معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، بیشتر بر اهمیت حق حیات به عنوان یک حق اساسی و ضروری تأکید کرده است. علاوه بر این، ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۴ معاهده آمریکایی حقوق بشر هر چند مجازات اعدام را به عنوان استثنایی بر حق حیات پذیرفته‌اند، اما نسبت به معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر محدودیتهای گسترده تری را برای اجرای این مجازات در نظر گرفته‌اند. برای مثال، بر اساس ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر فرد از حق ذاتی حیات برخوردار است. این حق باید از سوی قانون مورد حمایت قرارگیرد. حق حیات هیچ کس نباید به صورت خودسرانه سلب گردد» (بند ۱). «همچنین در کشورهایی که مجازات اعدام را هنوز لغو نکرده‌اند، محکومیت به مرگ باید فقط در مورد وخیم‌ترین جرایم و مطابق با قانونی که در زمان ارتکاب جرم لازم الاجرا بوده است، صورت پذیرد. محکومیت مذکور نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی^۲ مغایر باشد. این مجازات تنها براساس حکم قطعی صادره از سوی دادگاه صالح قابل اجراست.» (بند ۲). «هر شخصی که به مرگ محکوم شده است، می‌تواند در خواست عفو یا تبدیل مجازات خود را بنماید. عفو عمومی، عفو خصوصی یا تبدیل مجازات در تمام موارد قابل اعطا است.» (بند ۴)

همچنین، «مجازات اعدام نمی‌تواند در مورد جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال مورد حکم قرارگیرد و این مجازات در مورد زنان باردار نیز قابل اجرا نیست»^۳ (بند ۵) و درنهایت «هیچ یک

۱. این ماده ادامه منطقی مواد ۳ و ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ است که در آن ذکر شده است: «هر فرد از حق حیات و آزادی و امنیت فردی برخوردار است.» (ماده ۳) و «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قراردادی که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری و یا موهن است.» (ماده ۵)

2. Genocide

۳. ایالات متحده آمریکا در زمان الحاق به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۹۲، حق شرط بسیار انتقادی برانگیزی را نسبت به ماده ۶ میثاق اعمال نمود. در این حق شرط آمده است که: «دولت آمریکا با رعایت قیود مندرج در قانون اساسی خود، این حق را برای خود محفوظ می‌داند که مجازات اعدام را نسبت به

از مقررات این ماده نمی‌تواند برای به تأخیرانداختن یا ممانعت از الغای مجازات اعدام توسط کشورهای عضو این میثاق، مورد استناد قرارگیرد.» (بند ۶)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این ماده قیود متعددی برای مجازات اعدام ذکر شده است که در ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر اثری از آنها دیده نمی‌شود. طبیعتاً هدف از برقراری این محدودیتها، حمایت از اشخاصی است که احتمال دارد در آینده به مجازات اعدام محکوم شوند.

بنابراین، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی علاوه بر تأکید بر اهمیت قانونی بودن اعدام سعی نموده است تا با وضع قیود متعددی، همچون «این مجازات باید صرفاً برای وخیم‌ترین جرایم مورد حکم قرارگیرد... و نباید با مفاد این میثاق مغایر باشد.» و «هر فردی که به مرگ محکوم شده است، می‌تواند در خواست عفو یا تبدیل مجازات خود را بنماید.» حیطة اجرای این مجازات را محدود سازد. مهمتر از همه این که میثاق، اعمال مجازات اعدام را در مورد اشخاص زیر ۱۸ سال ممنوع کرده است^۱ و این امر در مقایسه با متن معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر یک پیشرفت عمده محسوب می‌شود. اما، این انتقاد به خود میثاق وارد است که در آن از لغو مجازات اعدام سخنی به میان نیامده است و از این نظر میثاق و معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی همسانند.

در مقایسه با ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و ماده ۶ میثاق، ماده ۴ معاهده آمریکایی حقوق بشر باز هم فراتر رفته و حیطة اجرایی مجازات اعدام را محدودتر می‌سازد.

براساس این ماده «حق حیات هر شخص باید محترم شمرده شود. این حق باید به طور کلی از زمان انعقاد نطفه مورد حمایت قرارگیرد. هیچ کس را نباید به صورت خودسرانه از حق حیات محروم کرد» (بند ۱). «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده است، این مجازات نباید مجدداً

هر شخص (به غیر زنان باردار) که به نحو صحیح بر طبق قوانین موجود یا آتی - که این مجازات را، از جمله در مورد جرایم کودکان زیر ۱۸ سال پیش بینی کرده است - به این مجازات محکوم می‌شود، اعمال نماید.» این حق شرط مورد انتقاد بسیاری از کشورهای اروپایی قرار گرفت و از سوی کمیته حقوق بشر رد شد. رک: UN Doc.CCPR/C/79/Add 50.1995.

۱. براساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل مورخ ۵ آوریل ۲۰۰۵، در سال ۲۰۰۴، چهار نفر زیر ۱۸ سال اعدام شده‌اند، که سه مورد از آنها در چین انجام شده است.

برقرار شود» (بند ۳) و «در هیچ شرایطی مجازات اعدام نباید در مورد جرایم سیاسی یا جرایم عمومی مرتبط با آن اعمال شود.»^۱ (بند ۴)

پس از بررسی بندهای مختلف ماده یاد شده و همچنین ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، این سؤال در ذهن خواننده مطرح می‌شود که چرا معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی به طور جدی تری از حق حیات حمایت نکرده است و صراحتاً مشروعیت اجرای مجازات اعدام از سوی کشورهای عضو را پذیرفته است.

دلیل این وضعیت را باید در تاریخ و بستری که معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در آن تدوین شد، جست و جو کرد. نباید فراموش کنیم که در سال ۱۹۵۰ اروپا تازه از جنگ جهانی دوم و محاکمات توکیو و نورمبرگ^۲ - که مقامات عالی رتبه ژاپنی و آلمانی در جریان آن به مجازات اعدام محکوم شده بودند - فارغ شده بود و هیچ یک از اعضای آتی شورای اروپا هنوز مجازات اعدام را در سطح ملی لغو نکرده بودند. اجرای این مجازات در آن کشورها امری طبیعی بود^۳ و جوامع مدنی کشورهای عضو و روشنفکران هیچ گونه واکنشی نسبت به آن نشان نمی‌دادند.

از سوی دیگر، اکثر کشورهای اروپایی نسبت به حقوق بین‌الملل بدبین بودند و تمایلی به اجرای قواعد حقوقی فراملی نداشتند. به همین دلیل شناسایی حقوق و آزادیهای فردی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و تعهد به رعایت آنها در سطح ملی هنوز اندیشه‌ای مبهم و غیر قابل قبول محسوب می‌گردید.

این دلایل تا حدودی نشان می‌دهد که چرا معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی به این صورت تدوین گردیده و مجازات اعدام در آن به عنوان استثنایی برحق حیات پذیرفته شده است^۴. با این حال، سؤال به قوت خود باقی است که چرا پس از گذشت سالها و

۱. بندهای ۵ و ۶ این ماده همانند ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ممنوعیت مجازات اعدام در مورد افراد زیر ۱۸ سال و حق درخواست عفو یا تبدیل این مجازات را مطرح کرده‌اند.

2. Nuremberg

۳. در زمان تصویب پروتکل شماره ۶ در سال ۱۹۸۳، یعنی ۲۳ سال پس از تصویب معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، فقط ۸ کشور از ۲۱ کشور عضو شورای اروپا مجازات اعدام را کاملاً ممنوع کرده بودند. این کشورها عبارت بودند از: اتریش، دانمارک، آلمان، ایسلند، لوکزامبورگ، نروژ، پرتغال و سوئد.

۴. شایان ذکر است که هر چند ماده ۲ مجازات اعدام را به عنوان استثنایی برحق حیات پذیرفته است، اما تدوین‌کنندگان این سند هیچ تردیدی در خدشه ناپذیر دانستن این حق نداشته‌اند. ماده ۱۵ کنوانسیون بخوبی

تصویب پروتکل‌های ۶ و ۱۳ - که کاملاً در جهتی مخالف با ماده ۲ گام بر می‌دارند و حتی تا حدودی نیز آن را نسخ کرده‌اند - هنوز شورای اروپا این ماده را اصلاح نکرده است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که پیشنهاد اصلاح این ماده، که از سوی برخی ارکان شورای اروپا مطرح شده، در مقاطع مختلف با شکست مواجه گردیده است و این امر نشان دهنده پیچیدگی و حساسیت بحث مجازات اعدام در سطح این سازمان و علی‌الخصوص در میان دولت‌های عضو است.

بخش دوم

شکست تلاش‌های انجام گرفته برای اصلاح ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

پیشنهاد اصلاح ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در چندین مرحله توسط برخی از ارکان شورای اروپا و شماری از کشورهای عضو همچون سوئد^۱ مطرح شده است. در میان ارکان این سازمان، مجلس پارلمانی^۲ تا به حال بیشترین تلاش را مصروف این امر کرده است. این نهاد اولین بار با تصویب توصیه‌نامه‌های شماره ۸۹۱ و ۷۲۷ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۰ یعنی ۲۵ سال پیش، خواستار اصلاح ماده ۲ شد.

اما این پیشنهاد از سوی کمیته وزراء مورد پذیرش قرار نگرفت و تا به امروز هم این کمیته با

مبین این امر است؛ بر اساس بند اول این ماده: «در زمان جنگ یا سایر خطرات عمومی که زندگی مردم را تهدید می‌کند، هر یک از دول عضو می‌توانند تا آن جایی که ضرورت ایجاب می‌کند، از تعهدات خود به موجب کنوانسیون عدول نمایند، به شرط آنکه این اقدام با سایر تعهدات آنها به موجب حقوق بین‌الملل مغایر نباشد.» بر اساس بند ۲ این ماده: «عدول از ماده ۲ ممکن نیست؛ مگر در مورد مرگ‌هایی که ناشی از اعمال جنگی غیر قانونی است.» بنابراین، این ناهماهنگی را می‌توان تضادی ایدئولوژیک بین ماده ۲ معاهده و بند ۲ ماده ۱۵ دانست.

۱. کشور سوئد از جمله کشورهایی است که نقش مهمی را در زمینه الغای کامل مجازات اعدام و تدوین اسناد شورای اروپا در این زمینه ایفا کرده است. برای مثال، می‌توان فعالیتهای مستمر آقای هانس گوران فرانک (Hans Goran Franck) در تدوین پروتکل شماره ۱۳ را ذکر کرد.

۲. مجلس پارلمانی (Assemblée Parlementaire) شورای اروپا یکی از ارکان شورای اروپاست که درکنار کمیته وزراء به انجام وظیفه می‌پردازد (شورای اروپا مجموعاً از همین دو رکن تشکیل شده است). در کمیته وزراء هر کشور از یک حق رأی برخوردار است، اما در مجلس پارلمانی این جمعیت کشورهای عضو است که تعداد نمایندگان آنها و بالتبع تعداد آرای آنها را مشخص می‌کند. مجلس پارلمانی از احزاب سیاسی کشورهای عضو است و امروزه ۶۳۰ نماینده در آن حضور دارند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به:

اصلاح ماده ۲ همچنان مخالفت کرده است. کمیته وزارت معتقد است تصویب پروتکل‌های ۶ و ۱۳ در مورد مجازات اعدام، تضمینات لازم را در جهت حمایت از حقوق افراد فراهم نموده است و به همین دلیل نیازی به اصلاح ماده ۲ وجود ندارد. با این حال، مجلس پارلمانی هنوز هم دست از تلاش برای اصلاح ماده ۲ برنداشته است و در توصیه نامه شماره ۲۳۳ (مورخ سال ۲۰۰۲) - در مورد «پیش نویس پروتکل الحاقی شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه لغو مجازات اعدام در همه شرایط» - مجدداً بر آن تأکید نموده است: «مجازات اعدام هنوز هم در بخش دوم ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وجود دارد. مدت زمان زیادی است که مجلس پارلمانی صلاح می‌بیند که این بخش حذف شود تا تئوری و واقعیت با یکدیگر هماهنگ شوند.» ضرورت اصلاح این ماده با توجه به این واقعیت که در اکثر قوانین اساسی مدون و معاهدات بین‌المللی چنین مقرراتی وجود ندارد، بیشتر می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد استدلال کمیته وزرا مبنای حقوقی چندان محکمی ندارد و اصرار مجلس پارلمانی بر اصلاح ماده ۲ موجه و منطقی است. به عبارت دیگر نمی‌توان این استدلال را پذیرفت که پروتکل‌های شماره ۶ و ۱۳ عملاً ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را نسخ کرده‌اند، زیرا هنوز یک کشور پروتکل شماره ۶ و شانزده کشور پروتکل شماره ۱۳ را تصویب نکرده‌اند و بدین ترتیب این کشورها، هیچ تعهد حقوقی نسبت به این دو پروتکل ندارند و تنها قاعده الزام آور برای آنها همان ماده ۲ کنوانسیون است که هیچ ممنوعیتی برای مجازات اعدام در آن پیش بینی نشده است. بنابراین، سوءاستفاده از این وضعیت توسط کشورهای عضو امر چندان بعیدی به نظر نمی‌رسد و کشوری مانند فدراسیون روسیه می‌تواند بصراحت اعلام نماید که تصمیم به اعمال مجازات اعدام گرفته است. در این صورت نه تنها هیچ ایرادی به این تصمیم وارد نیست بلکه حقوق معاهدات بین‌المللی و از جمله کنوانسیون وین ۱۹۶۹ نیز آن را تأیید می‌کند.

از طرف دیگر، پروتکل‌های شماره ۶ و ۱۳ پروتکل‌های الحاقی^۱ هستند، نه اصلاحی^۲ و به همین دلیل آثار حقوقی متفاوتی بر آنها بار می‌شود. به عبارت دیگر، چنانچه این پروتکلها واجد وصف اصلاحی بودند، متن اولیه کنوانسیون را تغییر داده، نظام حقوقی منسجمی را برای کلیه

1. Protocoles additionnels.

2. Protocoles d'Amendement.

کشورهای عضو پدید می‌آوردند، اما الحاقی بودن این پروتکلها به کشورهای عضو آزادی عمل بیشتری را اعطا می‌کند و آنها می‌توانند از تصویب این دو پروتکل خودداری کنند. بدین ترتیب علیرغم این که تمامی این کشورها عضو معاهده واحدی هستند، اما بر حسب این که کدام یک از پروتکلهای الحاقی را تصویب کرده و کدام یک را تصویب نکرده‌اند، تحت حاکمیت نظام‌های حقوقی متفاوت قرار می‌گیرند.

مجلس پارلمانی نیز دقیقاً به دلیل همین مشکلات پیشنهاد می‌کرد که پروتکل شماره ۶ یک پروتکل اصلاحی باشد که این پیشنهاد مورد قبول کمیته وزرا قرار نگرفت. آنچه برای کمیته وزرا اهمیت داشت، برپا ساختن نظام حقوقی جدیدی در خصوص با مجازات اعدام بود؛ هر چند که این نظام از نظر جغرافیایی چندان گسترده نباشد.

به عبارت دیگر، از آنجا که در شورای اروپا پروتکل‌های الحاقی با تصویب تعداد اندکی از کشورها لازم الاجرا می‌شود، دستیابی به یک نظام حقوقی جدید از طریق آنها بسیار سریعتر صورت می‌پذیرد تا پروتکل‌های اصلاحی که لازم‌الاجرا شدن آنها نیاز به تصویب تمامی کشورهای عضو دارد.

اندیشه تصویب یک پروتکل اصلاحی در زمان تنظیم و تدوین پروتکل شماره ۱۳ مجدداً از سوی مجلس پارلمانی مطرح شد، اما این بار شکلی بسیار جدیدتر و جالبتر به خود گرفت. مجلس پارلمانی این بار پیشنهاد کرد که پروتکل‌های شماره ۱۳ یک پروتکل دو وجهی^۱ باشد؛ یعنی در ابتدا یک پروتکل الحاقی باشد و سپس با تصویب تمامی کشورهای عضو جنبه اصلاحی به خود بگیرد و ماده ۲ کنوانسیون را اصلاح نماید. در ماده اول این پروتکل، بر اساس پیشنهاد مجمع، آمده بود که: «هیچ کس نباید به این مجازات محکوم شود یا این مجازات درباره او اجرا شود.» و بدین ترتیب با تصویب پروتکل، این ماده جانشین ماده ۲ می‌گردید، اما این پیشنهاد باز هم مورد قبول کمیته وزرا قرار نگرفت و بدین ترتیب در حال حاضر اعمال مجازات اعدام هنوز هم بر اساس ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی امکان پذیر است.^۲

1. Protocole hybride.

۲. برای اطلاعات بیشتر رک: گزارش خانم Wohlwemet به مجلس پارلمانی، مورخ ۱۵ ژانویه ۲۰۰۲ (Document 9316) و همچنین نظریه شماره ۲۳۳ (۲۰۰۲) مجلس پارلمانی مورخ ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲ در مورد پروتکل شماره ۱۳.

با توجه به شکست تلاشهای مجلس پارلمانی برای اصلاح ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تعدادی از حقوقدانان و صاحبان نظر برای حل این مشکل به نهاد مرکزی نظام حمایت از حقوق بشر که همان دیوان اروپایی حقوق بشر است، روی آوردند، اما دیوان نیز تا به امروز اقدام مؤثری برای اصلاح این ماده انجام نداده است و حتی در یکی از جدیدترین آرای خود در قضیه Ocalan V Turkey از اظهار نظر صریح در این خصوص خودداری کرده است.

بخش سوم

عدم موضع‌گیری صریح دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد اصلاح ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی

مبنای تأسیس دیوان اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی است. مواد این معاهده در مورد دیوان، توسط پروتکل شماره ۱۱ - که در اول نوامبر ۱۹۹۸ لازم الاجرا شده است - مورد اصلاح قرار گرفته است. طبق ماده ۱۹ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی «برای تضمین رعایت تعهداتی که دول عضو در کنوانسیون و پروتکل‌های آن بر عهده گرفته‌اند، دیوان اروپایی حقوق بشر تأسیس خواهد شد.» امروزه دیوان در سطح شورای اروپا، نقشی مهم و محوری را در حمایت از حقوق بشر ایفا می‌کند و با ارائه تفسیرهای موسع و بدیع از مواد کنوانسیون، گسترده‌ترین حمایت را برای شهروندانی که به این نهاد مراجعه می‌کنند، فراهم ساخته است.

همان‌طور که دیوان در رویه قضایی خود بارها یادآور شده است، این مرجع قضایی «نقش اساسی را در ترویج و توسعه اصول معاهده ایفا می‌کند»^۱. دیوان «معاهده را یک سند زنده می‌داند که باید در پرتو مقتضیات زندگی امروز تفسیر شود»^۲ و به همین دلیل ابایی از رایه تفسیرهای موسع نسبت به متن کنوانسیون ندارد.^۳

1. Arret de la Republique d'Irlande Contre le Royaume-Uni du 18 Janvier 1978.

2. Arret Tyrer Contre Royaume-Uni du 25 Avril 1978.

۳. رک: آرای:

Campbell & Cosans V UK, 1982., Aksoy & Aydin V Turkey 1996-1999., Selmouni

با این حال، دیوان در خصوص موضوع مجازات اعدام و ناهماهنگی که بین ماده ۲ معاهده و پروتکل‌های الحاقی وجود دارد، موضع منفعلی را اتخاذ نموده است و هیچ‌گاه به صورت صریح در این خصوص اظهار نظر نکرده است. در واقع دیوان در اکثر موارد از منظر دیگری به این قضیه نگاه کرده و از طریق راه‌های جایگزین و استناد به مواد دیگر کنوانسیون - از جمله ماده ۶ در مورد دادرسی عادلانه - اعمال مجازات اعدام را محکوم کرده است.^۱

VFrance , 1999.

۱. به نظر می‌رسد که نهادهای بین‌المللی دیگر همچون کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز از همین رویه پیروی می‌کنند. این کمیته در پرونده‌های متعددی که مربوط به مجازات اعدام بوده است، با استناد به عدم رعایت مواد دیگر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را محکوم کرده است. برای مثال، در پرونده Reid V Jamaica (no 250/1987) کمیته نتیجه گرفت که: «محکوم نمودن یک شخص به مجازات اعدام پس از خاتمه محاکمه‌ای که مقررات این میثاق در آن رعایت نشده است... تخلف از ماده ۶ میثاق محسوب می‌شود. این شرط که مجازات اعدام باید حتماً مطابق قانون بوده و بر خلاف مقررات این میثاق نباشد، دال بر آن است که تضمین‌های دادرسی که در این سند مقرر شده‌اند، از جمله حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه توسط یک دادگاه مستقل، اصل برائت، حق برخورداری از حداقل تضمین‌های لازم برای دفاع و حق تجدید نظر در مراجع بالاتر - باید رعایت شوند.» نتایج مشابهی را می‌توان در دعاوی دیگری همچون Daniel Mbenge V Zaire مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۷۷ و Wright V Jamaica مشاهده نمود. دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز در این زمینه از رویه مشابهی پیروی می‌کند. این مرجع در نظریه مشورتی راجع به «حق برخورداری از اطلاعات در مورد معاضدت کنسولی در چارچوب تضمین رسیدگی حقوقی صحیح» مورخ اکتبر ۱۹۹۹، به بررسی تأثیر تضمین‌های محاکمه عادلانه بر ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر که مجازات اعدام را در شرایط خاص اجازه داده است، پرداخت. دیوان اعلام کرد: «تکرار این نکته مفید به نظر می‌رسد که در بررسی پیشین ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی (نظریه مشورتی، مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۸۳) دیوان به این نتیجه رسید که اعمال و تحمیل مجازات اعدام باید تحت حکومت این قاعده باشد که حق حیات هیچ کس نباید به صورت خودسرانه سلب شود.» ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۴ کنوانسیون، هر دو لازم می‌دانند که آیین دادرسی بدقت رعایت شود و اعمال مجازات اعدام محدود به مهمترین جرائم گردد. بنابراین، در هر دو سند گرایش آشکاری به سمت محدود کردن موارد اعمال این مجازات و در نهایت الغای آن وجود دارد. این گرایش در سایر اسناد آمریکایی و جهانی نیز مشاهده می‌شود و منجر به شناسایی بین‌المللی اصلی شده است که به موجب آن کشورهایی که هنوز مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند، باید، بدون قید و شرط، شدیدترین کنترل را نسبت به رعایت تضمین‌های قضایی در این پرونده‌ها به عمل بیاورند. واضح و مبهرن است که با توجه به ماهیت خطرناک و غیر قابل بازگشت مجازات اعدام در مورد شخصی که به آن محکوم شده است، تعهد به رعایت حق دسترسی به اطلاعات در این موارد بسیار مهم و تعیین کننده است. هنگامی که رسیدگی صحیح حقوقی، با تمام حقوق و تضمین‌هایش و بدون توجه به شرایطی که وجود دارد باید رعایت شود، رعایت آن هنگامی که برترین حق بشری (حق حیات) - که تمامی معاهدات و اعلامیه‌های راجع به حقوق بشر آن را به رسمیت شناخته است - در معرض خطر است، بسیار مهم‌تر تلقی می‌شود. از آن جا که مجازات اعدام بازگشت ناپذیر است، تضمین قضایی لازم باید به دقیق ترین و شدیدترین شکل ممکن اجرا شوند؛ به نحوی که تخلف از آنها امکان پذیر نبوده و جان

قضیه اوجلان بوضوح این موضع دیوان را منعکس می‌سازد و بیانگر رویه قضایی کاملاً مبهم این مرجع در قبال مجازات اعدام است. در این قضیه، وکلای اوجلان ادعا می‌کردند که دولت ترکیه مواد ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۴۴۲ کنوانسیون را نقض کرده است.

در جریان این پرونده شعبه عالی دیوان اروپایی حقوق بشر (Grand Chamber) ^۲ حاضر نشد به ادعای نقض ماده ۲ (در مورد حق حیات) رسیدگی کند. از آن جا که دولت ترکیه پروتکل شماره ۶ را امضا و تصویب نموده بود و در اکتبر سال ۲۰۰۱ با اصلاح اصل ۳۸ قانون اساسی خود، مجازات اعدام را در زمان صلح لغو کرده و به دنبال آن در سال ۲۰۰۲ حکم مجازات اعدام علیه اوجلان را به حبس ابد تغییر داده بود^۳، شعبه عالی دلیلی برای رسیدگی به ادعای نقض ماده ۲ نمی‌دید.

در این پرونده، دیوان از زاویه مواد ۳ و ۶ به مجازات اعدام پرداخت. از نظر دیوان: «محکوم نمودن یک شخص به مجازات اعدام پس از یک محاکمه ناعادلانه، این ترس را به ناحق در دل او ایجاد می‌کند که او اعدام خواهد شد؛ ترس و ابهامی که در نتیجه محکومیت به اعدام، پیرامون آینده نقش می‌بندد، در شرایطی که واقعاً امکان اجرای این مجازات وجود دارد، اضطراب

افراد به صورت خودسرانه سلب نگردد.» همچنین ر.ک:

Hilaire, Constantine and Benjamin and AL V Trinidad and Tobago, 21st June 2002.

۱. وکلای آقای اوجلان مدعی بودند که دولت ترکیه ماده ۲ (در رابطه با حق حیات)، ماده ۳ (ممنوعیت شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و تحقیر آمیز) ماده ۵ (حق برخورداری از آزادی و امنیت)، ماده ۶ (حق برخورداری از دادرسی عادلانه)، ماده ۷ (اصل قانونی بودن مجازاتها)، ماده ۸ (احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی)، ماده ۹ (آزادی اندیشه، وجدان و مذهب)، ماده ۱۰ (آزادی بیان)، ماده ۱۳ (حق مراجعه مؤثر به مراجع قضایی) و ماده ۱۴ (منع تبعیض) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است.

۲. شعبه عالی دیوان اروپایی حقوق بشر دارای ۱۷ قاضی است. وظیفه این شعبه کنترل مطابقت آرای شعب بدوی با کنوانسیون است.

۳. دیوان اروپایی حقوق بشر برای جلوگیری از اعدام آقای اوجلان، با استناد به ماده ۳۹ قواعد آیین دادرسی دیوان از دولت ترکیه درخواست نمود تا «تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از اجرای مجازات اعدام را به عمل بیاورد تا دیوان بتواند درخواست آقای اوجلان و ادعاهای مطروحه توسط وی را مورد بررسی قرار دهد». طبق ماده ۳۹ آیین دادرسی دیوان: «۱- شعبه دیوان - هر جا که ضروری باشد- یا رئیس آن می‌تواند به درخواست یکی از طرفین یا شخص دیگری که ذینفع است پایه صلاحدید خود، اقدامات احتیاطی را که برای تأمین منافع طرفین یا انجام صحیح دادرسی لازم می‌داند، به طرفین گوشزد کند؛ ۲- این اقدامات باید به کمیته وزرا ابلاغ شود؛ ۳- شعبه می‌تواند از طرفین درخواست نماید تا اطلاعات لازم را در خصوص هر مسأله‌ای که مرتبط با اجرای اقدامات احتیاطی است، در اختیار او بگذارند.»

شدیدی را در شخص پدید می‌آورد. این اضطراب را نمی‌توان از ناعادلانه بودن محاکمه، که مبنای اعمال این مجازات را تشکیل می‌دهد متمایز ساخت و باتوجه این که جان فرد در معرض خطر است، این محکومیت طبق کنوانسیون غیر قانونی محسوب می‌شود (پاراگراف ۱۶۸)... بنابراین، مجازات اعدام را که خواهان در پی یک محاکمه ناعادلانه، بدان محکوم شده است، نمی‌توان منطبق با استانداردهای دقیقی دانست که رعایت آنها در پرونده‌هایی که در برگیرنده مجازات اعدام هستند، ضروری است. علاوه بر این خواهان، حدود سه سال از آثار محکومیت به اعدام رنج می‌برده است، بنابراین، دادگاه نتیجه می‌گیرد که محکوم نمودن آقای اوجلان به مجازات اعدام، پس از انجام محاکمه ناعادلانه توسط دادگاهی که استقلال و بی‌طرفی آن مورد تردید بوده است، یک رفتار غیر انسانی بوده و منجر به نقض ماده ۳ کنوانسیون شده است (پاراگرافهای ۱۷۵-۱۷۴).

با توجه به رأی فوق‌الذکر می‌توان دریافت که دیوان اعمال مجازات اعدام در کشورهای عضو شورای اروپا را غیر قابل پذیرش می‌داند و بی‌تردید در آینده با اجرای این مجازات، از طریق استناد به مواد دیگر معاهده، مخالفت خواهد کرد، اما با وجود این، بهتر بود که دیوان مشکل بند اول ماده ۲ را نیز مطرح و به ضرورت اصلاح هر چه سریعتر آن اشاره می‌نمود.

رویه شعبه عالی در این خصوص کمی عجیب به نظر می‌رسد، زیرا شعبه مرکب از هفت قاضی^۱ (Chamber of Seven Judges) (که رسیدگی بدوی را انجام داده بود) موضع فعالتری را اتخاذ نموده و در پاراگراف‌های ۱۹۵ و ۱۹۶ حکم خود در همین قضیه اعلام کرده بود که: «دیوان معتقد است که وضعیت حقوقی مجازات اعدام دستخوش تحول چشمگیری شده است... و این تحول عظیم اکنون می‌تواند قرینه‌ای بر موافقت دول عضو در خصوص نسخ یا حداقل تغییر بخش دوم پاراگراف اول ماده ۲ باشد، مخصوصاً این که تمامی دول عضو در حال حاضر پروتکل شماره ۶ را امضا و ۴۱ دولت آن را تصویب نیز کرده‌اند.» البته، دیوان در ادامه از تندی نظرات خود کمی کاست و بدین شکل نظر خود را تعدیل نمود: «با این حال، ضرورتی ندارد که دیوان به یک نتیجه‌گیری قاطع در این مورد برسد، زیرا به دلایل زیر، حتی اگر ماده ۲ را به

۱. «شعبه مرکب از هفت قاضی» دیوان اروپایی حقوق بشر در حکم مورخ ۱۲ مارس ۲۰۰۳ در قضیه Ocalan V Turkey مجازات اعدام را یک رفتار غیر انسانی قلمداد نموده بود. از نظر این شعبه: «مجازات اعدام یک نوع رفتار غیر انسانی و تحقیرآمیز و مجازاتی مغایر با ماده ۳ کنوانسیون است.»

نحوی تفسیر کنیم که طبق آن مجازات اعدام هنوز هم امکان پذیر است، اجرای مجازات اعدام به دنبال یک محاکمه ناعادلانه بر خلاف کنوانسیون است.^۱

موضع مبهمی که شعبه عالی عمداً آن را اتخاذ نموده، انتقادات شدیداللحن حقوقدانان را برانگیخته است؛ به طوری که یکی از قضات این شعبه به نام ال. گارلیکی^۲ نیز مخالفت شدید خود را با حکم دیوان اعلام کرد. از نظر وی دیوان در قضیه اوجلان اصلاً به مسأله اصلی که همان بند اول ماده ۲ است، توجهی نکرده است.

آقای گارلیکی^۳ معتقد است: «نهادهای شورای اروپا (همچون مجلس پارلمانی) و برخی از کشورهای عضو (همچون سوئد) مخالفت قطعی و شدید خود را با مجازات اعدام نشان داده‌اند و این امر اصلاح (De Facto) بند اول ماده ۲ کنوانسیون محسوب می‌شود، اما آثار حقوقی این واقعیت هنگامی کامل می‌شود که دیوان مانند دادگاه قانون اساسی برخی از کشورها - که علی‌رغم عدم ممنوعیت مجازات اعدام در قوانین داخلی شان، بصراحت اعمال این مجازات را ممنوع کرده‌اند - به روشنی عدم مشروعیت این مجازات را اعلام نماید».^۴

از نظر قاضی گارلیکی «با توجه به این که دیوان بارها در احکام خود اعلام کرده است که معاهده را در پرتو شرایط زندگی امروز تفسیر می‌نماید، باید در این جا نیز پیشرفت‌های انجام شده در جریان لغو مجازات اعدام را مد نظر قرار می‌داد و بند اول ماده ۲ را اصلاح شده قلمداد می‌کرد و بدین ترتیب آخرین گام را در جهت اصلاح این ماده بر می‌داشت.»

نظرات قاضی گارلیکی هر چند از جذابیت خاصی برخوردار است، اما از نظر حقوقی چندان موجه به نظر نمی‌رسد و دقیقاً به همین دلیل است که هیچ یک از قضات دیوان از این نظر حمایت نکردند.

ناگفته پیداست که دیوان نیز مانند سایر ارکان شورای اروپا برای الغای کامل مجازات اعدام در آینده تلاش خواهد کرد. تفسیر موسع این مرجع و محسوب کردن مجازات اعدام به عنوان یک

1. William.A SCHABAS, *The Abolition of Capital Punishment From an International Law Perspective*, International Conference on Convergence of Criminal Systems, bridging the gaps, The Hague, August 2003, at: www.lsecl.org/papers/schabas.pdf.

2. L.Garlieki

۳. نظرات قاضی گارلیکی به رأی دیوان در قضیه اوجلان ضمیمه شده است.

۴. قاضی گارلیکی دادگاه قانون اساسی کشورهای مجارستان، لیتوانی، آلبانی و اوکراین را مثال می‌زند.

رفتار غیر انسانی نیز مبین این امر است. با این حال بهتر بود که دیوان به ضرورت اصلاح بند اول ماده ۲ اشاره می نمود و بدین ترتیب به اختلافی که میان اسناد مختلف شورای اروپا وجود دارد، پایان می بخشید. بدون شک چنانچه دیوان این اقدام را انجام می داد، جهش جدیدی در جهت اصلاح ماده ۲ پدید می آورد.

علی رغم تفاوتی که بین متن اصلی معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و پروتکل های ۶ و ۱۳ وجود دارد، سمت و سوی فعالیت شورای اروپا و اسنادی که در چارچوب این سازمان منعقد می شوند، در جهت الغای کامل مجازات اعدام است. تدوین و تصویب پروتکل الحاقی شماره ۶ یکی از نمونه های واضح در این زمینه است که روند تدریجی الغای مجازات اعدام را بخوبی نشان می دهد.

فصل دوم

پروتکل الحاقی شماره ۶ در خصوص الغای مجازات اعدام^۱

بر خلاف عنوان این پروتکل، پروتکل شماره ۶^۲ مجازات اعدام را فقط در زمان صلح الغاء می کند و اعمال این مجازات را در زمان جنگ یا خطر قریب الوقوع جنگ مجاز می داند (ماده ۲ پروتکل شماره ۶). علی رغم خلاهای موجود در آن، پروتکل شماره ۶ اولین سند الزام آور در سطح اروپا، و حتی دنیاست که مجازات اعدام را در زمان صلح ممنوع نموده است. بنابراین، می توان تدوین و تصویب این پروتکل را در زمان خود گام مهمی در جهت ممنوعیت مجازات اعدام در تمامی شرایط - هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ - دانست.

ماده یک این پروتکل اعلام می کند که: «مجازات اعدام باید ملغی گردد. هیچ کس نباید به این مجازات محکوم شود، یا این مجازات در مورد او اجرا گردد». همچنین ماده ۲ پروتکل که اجرای مجازات اعدام را در زمان جنگ و یا خطر قریب الوقوع جنگ امکان پذیر می داند، با اعلام این که «این مجازات تنها در موارد پیش بینی شده در قانون و طبق مقررات قانونی لازم الاجراست»

۱. برای ملاحظه متن کامل این پروتکل رک:

<http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/114.htm>.

۲. تعهد به الحاق به پروتکل شماره ۶ یکی از شروط ضروری عضویت در شورای اروپاست که در توصیه نامه های شماره ۱۲۴۶ (مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۹۴) و شماره ۱۳۰۲ (مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶) در مورد مجازات اعدام به آن اشاره شده است.

سعی می‌کند تا استفاده از این امکان را محدود نماید.

به همین ترتیب، با پیروی از منطقی که در تحدید اعمال یا اجرای مجازات اعدام مستتر است، پروتکل شماره ۶ «هر گونه عدول از اصول این پروتکل بر اساس ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی» (ماده ۳) و «اعمال هر گونه حق شرط بر اساس ماده ۵۷ آن کنوانسیون» (ماده ۴) را ممنوع کرده است.

عدم تجویز استناد به ماده ۱۵ معاهده، تصمیمی منطقی به نظر می‌رسد، زیرا این معاهده - که عنوان آن «عدول در زمانهای اضطراری» است - مقرر می‌دارد: «در زمان جنگ یا سایر خطرات عمومی که زندگی مردم را تهدید می‌کند، هر یک از دول عضو می‌توانند تا آنجایی که ضرورت ایجاب می‌کند، از تعهدات خود به موجب کنوانسیون عدول کنند، به شرط آنکه این اقدامات با سایر تعهدات آنها بر اساس حقوق بین‌الملل مغایر نباشد.» همچنین به موجب بند ۳ این ماده: «عدول از ماده ۲ ممکن نیست، مگر در مورد مرگهایی که ناشی از اعمال جنگی قانونی است.» ممنوعیت استفاده از حق شرط نیز کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، زیرا پروتکل الحاقی اعمال مجازات اعدام در زمان جنگ را پذیرفته است و اگر استفاده از حق شرط را نیز مشروع تلقی می‌کرد، دیگر جایی برای تحقق هدف پروتکل باقی نمی‌ماند و هیچ گونه پیشرفتی حاصل نمی‌شد.

با این حال، نقص عمده این پروتکل، ماده ۵ آن با عنوان «اعمال سرزمینی»^۱ است. این ماده که می‌توان از آن به عنوان وجه مشترک تمام پروتکل‌های الحاقی نام برد، از ماده ۵۶ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی اقتباس شده است. به موجب بند اول ماده ۵ پروتکل: «هر یک از دولتها می‌توانند در زمان امضا یا تسلیم سند، تصویب، قبول یا تأیید، سرزمین یا سرزمینهایی را که پروتکل نسبت به آنها اعمال می‌شود، تعیین کنند.»

درج این ماده در پروتکل الحاقی با ممنوعیت مجازات اعدام در زمان صلح در تضاد است، زیرا کشورهای عضو را قادر می‌سازد تا این ممنوعیت را زیر پا نهند و یک یا چند بخش از سرزمین خود را از شمول پروتکل خارج سازند. علاوه بر این، گنجاندن چنین مواردی سبب می‌شود که تشتت حاکم بر نظام حقوقی مجازات اعدام از این هم بیشتر شود و اندیشهٔ یکپارچگی این نظام همچنان ناکام باقی بماند.

1. Territorial Application (E). Application Territoriale (F).

در واقع، آنچه که در ماده ۵ پروتکل پیش بینی شده است، تفاوت چندانی با حق شرط‌های سنتی ندارد و باعث تعجب است که چرا تدوین کنندگان این پروتکل استفاده از حق شرط را ممنوع کرده‌اند، اما از طرف دیگر به کشورها اجازه داده‌اند تا قواعد این سند را در برخی از سرزمین‌های خود اجرا نکنند.

شایان ذکر است، دولتی که از ماده ۵ پروتکل استفاده می‌کند و یک یا چند بخش از سرزمین خود را از شمول مقررات پروتکل خارج می‌سازد، می‌تواند در هر زمان تصمیم اولیه خود را تغییر داده، با ارسال اعلامیه‌ای به دبیر کل شورای اروپا، حیطة اجرایی پروتکل شماره ۶ را به هر سرزمینی که مایل است- و در اعلامیه به آنها اشاره کرده است- گسترش دهد (پاراگراف ۲ ماده ۵).

بنابراین، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که پروتکل شماره ۶ گام مؤثری در جهت لغو کامل مجازات اعدام- که با تصویب پروتکل شماره ۱۳ به نتیجه رسید- بوده است و به غیر از ماده ۵ که در مورد آن صحبت شد، سایر مواد آن نقش مهمی را در این میان ایفا کرده‌اند.

فصل سوم

پروتکل شماره ۱۳ در خصوص الغای مجازات اعدام در تمام شرایط^۱

پروتکل شماره ۱۳ آخرین گام یک مبارزه طولانی است که در طول این سالها از سوی ارکان شورای اروپا برای الغای کامل مجازات اعدام دنبال شده است و تصویب این پروتکل بدون شک اروپا را طلایه دار جنبش الغای مجازات اعدام، در میان سازمانهای بین‌المللی منطقه ای و جهانی می‌سازد.

تصویب پروتکل شماره ۶ در زمان خود جهش مهمی را در این زمینه پدید آورد و کشورهای عضو سازمان شورای اروپا- حتی آنهایی که با دیده تردید به الغای این مجازات می‌نگریستند یا این مجازات را اعمال می‌کردند- را بر آن داشت تا از اعمال اعدام در زمان جنگ خودداری کنند. مقامات سیاسی این کشورها نیز ترغیب شدند تا حداکثر تلاش خود را برای الغای این مجازات به عمل آورند و بدین ترتیب زمینه لازم برای تصویب پروتکل شماره ۱۳ مهیا شد.

۱. برای ملاحظه متن کامل این پروتکل به همراه اطلاعات دیگر رک:

پروتکل شماره ۱۳ شباهت زیادی با پروتکل شماره ۶ دارد؛ با این تفاوت که مقدمه آن از لحن قاطعانه تری برخوردار است و از نظر کمی و کیفی به متن پروتکل فوق الذکر قدرت بیشتری می‌بخشد.

در این مقدمه آمده است: «دول عضو شورای اروپا بر این باورند که در یک جامعه دموکراتیک، حق حیات ارزشی اساسی به شمار می‌رود و الغای مجازات اعدام برای حمایت از این حق و به رسمیت شناختن کامل کرامت انسانی همه افراد بشر ضروری است.»

متن پروتکل شماره ۱۳ نیز تفاوت چندانی با پروتکل شماره ۶ ندارد. ماده اول دقیقاً شبیه به ماده اول پروتکل شماره ۶ است و مواد ۲ و ۳ نیز همانند مواد ۳ و ۴ پروتکل شماره ۶ هر نوع عدول بر اساس ماده ۱۵ کنوانسیون و هر نوع حق شرط بر اساس ماده ۵۷ کنوانسیون را ممنوع می‌کنند که طبیعتاً نکات مثبتی محسوب می‌شوند.

اما این تشابه صرفاً محدود به نکات مثبت نیست و برخی از نقایص پروتکل شماره ۶ نیز در پروتکل شماره ۱۳ تکرار شده است. برای مثال، انتظار می‌رفت که ماده ۵ پروتکل شماره ۶ در پروتکل شماره ۱۳ ذکر نشود، در حالی که ماده ۴ پروتکل، مقررات این ماده را تکرار کرده است و به موجب آن کشورها می‌توانند از اجرای قواعد پروتکل در یک یا چند بخش از سرزمین خود معافیت به عمل آورند. تنها تفاوتی که بین این دو ماده وجود دارد، بند سوم ماده ۴ پروتکل شماره ۱۳ است که طبق آن، کشوری که از اعلامیه مذکور در بند ۴ استفاده کرده است، می‌تواند در هر زمان آن را «پس بگیرد یا تغییر دهد». به نظر می‌رسد هدف از این تغییر، دادن آزادی عمل بیشتر به کشورهای عضو بوده است؛ چیزی که بدین شکل در پروتکل شماره ۶ وجود نداشته است.

بنابراین، تنها ایرادی که می‌توان به پروتکل شماره ۱۳ وارد دانست، ابقای مقررات مندرج در ماده ۵ پروتکل الحاقی شماره ۶ است.^۱ این اقدام مخالف با روح و هدف پروتکل شماره ۱۳ است و زمینه را برای سوء استفاده کشورهای عضو همچنان فراهم می‌کند.

به دنبال انتقادات شدید حقوقدانان از این مسأله، تدوین کنندگان پروتکل شماره ۱۳ در صدد برآمده‌اند تا پاسخی برای این اقدام خود ارائه دهند. آنها استدلال کردند همان طور که در گزارش

۱. دولت دانمارک در زمان ارسال تصویبنامه خود در تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۰۲ اعلامیه‌ای را بر اساس ماده ۴ پروتکل صادر نمود و اجرای این پروتکل را در مورد سرزمینهای گروئنلند و جزایر Feroe مستثنی نمود.

تفسیری پروتکل شماره ۱۳ نیز آمده است، «هدف از گنجاندن این ماده سرعت بخشیدن به تصویب، پذیرش و الحاق از سوی دولتها بوده است»^۱. اما این نظر چندان موجه به نظر نمی‌رسد و همچنان ابهاماتی را در خصوص مجازات اعدام بدون پاسخ باقی می‌گذارد.

با این حال، مجازات اعدام جز در موارد استثنایی همچون عدم تصویب پروتکل شماره ۱۳ یا استفاده از مقررات ماده ۴ این پروتکل، در کشورهای عضو شورای اروپا قابل اجرا نیست. بنابراین، با توجه به این استثنائات هنوز نمی‌توان گفت که مجازات اعدام در سطح شورای اروپا به طور کامل و بدون قید و شرط لغو شده است و راهی که ارکان شورای اروپا ۲۵ سال پیش آغاز کردند، هنوز ادامه دارد.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه بسیاری از کشورهای اروپایی، سازمانهای غیر دولتی و صاحب‌نظران فعال در زمینه مسائل حقوق بشر، پیشرفتهایی که شورای اروپا در زمینه ترویج و رعایت حقوق بشر کسب کرده است، در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی قابل توجه است. شکل‌گیری جنبش‌های مجازات اعدام نیز یکی از همین پیشرفتهاست که ارکان شورای اروپا مدت مدیدی است برای دست یافتن به آن تلاش می‌کنند. البته، با توجه به وضع موجود این جنبش به هدف خود نرسیده و برای رسیدن به موفقیت کامل، اصلاح ماده ۲ معاهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ضروری است.

به نظر می‌رسد که لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۳ در اول جولای ۲۰۰۳ به روند اصلاح این ماده سرعت بخشد و در نتیجه مذاکرات جدیدی در چارچوب شورای اروپا برای اصلاح این ماده آغاز شود.

از سوی دیگر، مقرراتی که در مورد اجرای سرزمینی در پروتکل‌های الحاقی ۶ و ۱۳ آمده است باید حذف شود، زیرا با هدف غایی این اسناد که همان الغای کامل مجازات اعدام است، در تعارض است و در نهایت کشورهایی که هنوز پروتکل شماره ۱۳ را نپذیرفته‌اند، باید هر چه زودتر به آن ملحق شوند تا نظام حقوقی یکپارچه‌ای در خصوص الغای مجازات اعدام، شکل بگیرد.

1. Rapport explicatif relatif au Protocole No.13 adopté par le Conseil des Ministres ,21 Fevrier 2002 ,at <http://conventions.coe.int/Treaty/Fr/reprts/html/187.htm>.

امروزه مسئولان عالی‌رتبه شورای اروپا همچون دبیر کل این سازمان آقای Terry Davis تأکید می‌کنند که «باید مبارزه همچنان برای دستیابی به الغای کامل مجازات اعدام ادامه داشته باشد،^۱ علی‌الخصوص تا زمانی که برخی از کشورهای ناظر در شورای اروپا همچون ایالات متحده آمریکا و ژاپن چنین مجازاتی را در کشورهای خود اجرا می‌کنند.»
به نظر می‌رسد که شورای اروپا در زمینه مجازات اعدام، هدف جدیدی را دنبال می‌کند که عبارت است از لغو این مجازات در کشورهای ناظر.

در این راستا این سازمان با همکاری کمیسیون اتحادیه اروپا، کانون وکلای ایالات متحده آمریکا و ژاپن در ماه دسامبر ۲۰۰۵ میلادی همایشی را در پایتخت ژاپن برپا نمود و در آن همایش آقای پورگوردیز^۲، مدیر کمیته حقوق بشر مجلس پارلمانی شورای اروپا در سخنرانی خود چنین هدفی را به صورت واضحتری بیان کرد: «ایجاد یک اجماع در خصوص مجازات اعدام در میان کشورهای عضو شورای اروپا امری بسیار دشوار بود، اما نهایتاً این اجماع شکل گرفت. شورای اروپا سعی خواهد نمود تا با تشریح تجارب خود دولت ژاپن را متقاعد کند تا استفاده از این نوع مجازات را لغو نماید. همچنین دولت ژاپن باید به عنوان یک دولت ناظر به ارزشهای اساسی این سازمان احترام بگذارد.»^۳

هر چند هنوز زمان آن نرسیده است که به ارزیابی نتایج این اقدامات جدید بپردازیم، اما به نظر می‌رسد که با این گونه اقدامات شورای اروپا در صدد گسترش الغای مجازات اعدام در سطح بین‌المللی است و فعالیت‌های خود را فقط به قلمرو کشورهای عضو این سازمان محدود نمی‌کند. البته، بهتر است که این سازمان ابتدا به رفع تناقضاتی که در اسناد کنونی به چشم می‌خورد- و در این مقاله به آن اشاره شده- بپردازد و سپس اقدامات جدیدی را در سطح کشورهای ناظر و یا در سطح بین‌المللی اتخاذ نماید.

1. Statement of Terry Davis, Secretary General of the Council of Europe, The fight is far from being over in <http://press.coe.int/cp/2005/522a%282005%29.htm>.

2. Pourgourides

3. www.coe.int/NewsSearch/Default.asp?p=nwz&id=7473&lmLangue=1

فهرست منابع

- فارسی

- انسل مارک: مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۵.
- رایجیان اصلی، مهرداد: جایگاه کیفر مرگ در جهان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی علامه طباطبائی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- بکاریا، سزار: جرایم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ اصل، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸.
- روسو، ژان ژاک: قرارداد اجتماعی، ترجمه عنایت اله شکیباپور، تهران: بنگاه مطبوعاتی فرخی، ۱۳۵۴.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم: بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۸.
- منتسکیو: روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ سوم، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، ۱۳۳۴.

- انگلیسی

- Cassese (Antonio)- Gaeta(Paola)- Jones(John) "*The Rome Statute of International Criminal Court*" : A Commentary , Vol. I&II, Oxford Universtiy Press. 2002.
- Schabass(William A): "*The Abolition of Capital Punishment From an International Law Perspective*" International Conference of Criminal Systems : Bridging the gaps ,The Hague , August 2002.

- فرانسه

- Badinter(Robert): *L'abolition* , Editions Fayard , 2002.
- Benzimra- Haza (Jerome) : "*L' affaire Ocalan devant la Cour europeenne des droits de l'homme*" Droits Fondamentaux n 1 , Juillet- Decembre 2002.

- اسناد

- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی شورای اروپا ۱۹۵۰.

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.
- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹.
- پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در رابطه با مجازات اعدام در زمان صلح.
- پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در رابطه لغو مجازات اعدام در تمام شرایط.
- Rapport explicatif relatif au Protocole N.13,21 Fevrier 2002 , in <http://conventions.coe.int/Treatu/Fr/reports/html/187.htm>.

احکام دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی

- Ocalan/Turkey , 12th March 2002.
- Ocalan/Turkey ,Grand Chamber, 12th May 2005.
- Republic of Ireland/United Kingdom , 18th June 1978.
- Sterletz , Kessler& Krenz/Germany , 25th March 2002.
- Tyrer/ United Kingdom , 25th May 1978.

سایت‌های اینترنتی

- شورای اروپا www.coe.int
- دیوان اروپایی حقوق بشر www.echr.coe.int